

تمییز دادن بدن خداوند



برادر سولیوان سپاسگزارم. دوستان، عصر به خیر. این... بفرمایید بنشینید.

۲ از بودن دوباره امشب زیر این سقف و در میان جماعت خوب مسیحی، خوشحالم. منتظریم در این شامگاه خدا فراتر از توان و تصوّر ما به دولتمندی عمل کند. باور داریم که به راستی خدا هست.

۳ چند نفر حس می‌کنند که در جلسه‌ی شب گذشته شفا یافته‌اند؟ بله، عالی است. منتظریم مابقی شما هم در همین جلسه‌ی شامگاهی شفا یابید. به گمانم هنوز چندین کارت دعا موجود است. بیلی به من گفت که آنها را پخش نکرده زیرا دیشب تنها تعدادی از آنها را گرفتیم. و شاید برخی از عزیزان احساس کردند که تمایل دارند وارد صف دعا شوند. یا شاید دیرتر در طول شب برخی از آن کارت‌ها را برای فراخوانی به صف تمییز استفاده کنیم. این... این چیزی است...

۴ تمییز و تشخیص به خودی خود باعث شفای کسی نمی‌شود. این امر تنها افراد را در شرایطی قرار می‌دهد که پس از تفتیش خویش، پذیرای شفای خود باشند، در واقع پذیرای کاری که عیسی پیش‌تر برای آنها انجام داده، باشند. ملاحظه می‌کنید؟ دست گذاشتن امری نیکوست زیرا عملی کتاب مقدسی است اما شیوه‌ی شفا یافتن برای ام‌ها نیست.

۵ در این خصوص در کتاب مقدس داریم که یک شخص یهودی بود که... دخترش به سختی بیمار و در آستانه‌ی مرگ بود و سرانجام آن دختر مُرد. آن شخص رو به عیسی گفت: «دخترم در بستر و مشرف به مرگ است تمنا اینکه بیایی و بر او دست بگذاری و او خوب خواهد شد.»

۶ اما یک یوزباشی رومی از ام‌ها هم بود که خادمش بیمار شده بود و او چنین گفت: «لایق آن نیستم که زیر سقف من آیی بلکه فقط سخنی بگو.» این رفتار بر دل عیسی نشست. لازم نیست بر او دست بگذاری. او تنها خواهان شنیدن کلام بود.

۷ می‌بینید، این ماجرا را دوست دارم. زیرا این فرد اذعان داشت که خود فردی صاحب قدرت و اختیارات است. پس چنانچه به کسی می‌گفت: «چنین کن» یا «چنان کن»، او همان را انجام می‌داد. از این رو او همان قدرت-اقتدار را در خداوند عیسی تشخیص داد. زیرا می‌دانست که همین بس بود تا به یکی از زیردستان خود بگوید «برو» یا «بیا»، تا به حکم آن اختیار فرمان ببرد.

۸ همچنین او می‌دانست که بیماری‌ها و دردها همه در حیطه‌ی فرمان قدرت خداوند عیسی بود بنابراین نیازی نبود که خود برای دست‌گذاری آنجا حاضر شود. «تنها سخنی بگو و خادم من به زندگی ادامه خواهد داد.»

۹ عیسی تحسین کرده، چنین گفت: «چنین ایمانی در اسرائیل نیافته‌ام.»

۱۰ رجاء واثق دارم که تا زنده هستم شاهد روزی باشم که ما آمریکایی‌ها همان ایمان را داشته باشیم. «خداوند، تنها سخنی بگو و خادم من به زندگی ادامه خواهد داد.» چنین روزی پر جلال خواهد بود. اکنون ما هستیم...

۱۱ گاهی مسح عمق وجودم را فرا می‌گیرد و در چنین شرایط گاهی اصلاً فرصت فراخوانی به پای مذبح را پیدا نمی‌کنم. در چنین وضعیتی برادران دیگری چون برادر سولیوان یا دیگر برادران عزیزم در اینجا عهده‌دار انجام این کار خواهند شد.

۱۲ شاید عزیزی بگوید که ما تنها شفای الهی را برجسته کرده‌ایم. شفای الهی را می‌توان به نوعی به رفتن به ماهیگیری تشبیه کرد. شما هیچ‌گاه به ماهی قلاب نشان نمی‌دهید. فقط به او طعمه را نشان می‌دهید و او هنگام ربودن طعمه در قلاب گیر می‌افتد. همین مطلب درباره‌ی شفای الهی مصداق پیدا می‌کند. پیداست که امری است که نظرها را به خود جلب کرده و در پی آن زنده بودن خدا را اثبات و محق برمی‌شمرد و نشان دهنده‌ی این است که مورد توجه و علاقه‌ی خدا هستید. این امر در نظر یک بی‌ایمان برجسته می‌شود و او درمی‌یابد که خدای زنده‌ای هست و این چنین در روند نجات و رستگاری قرار می‌گیرد. به این ترتیب آن شخص وارد حیطه‌ی نظارت خدا شده و خدا او را در بر می‌گیرد. آری، هدف از شفای الهی همین است، صرفاً به خاطر همین منظور.

۱۳ اینجا عزیزانی هستند که برخی از نوارها، کتابها و موارد ضبط شده و دیگر چیزها را در اختیار دارند، آنها به صورت خودجوش کانون کوچکی در همین زمینه به وجود آورده‌اند. ما... تنها شماری از آن کتابها را برای خود دارم و باید برخی از آنها را خریداری کنم. تعدادی از این کتابها مربوط به جلسات من است. مابقی، کتابهایی مانند *داستان زندگی من* هستند که از برادر لیندسی خریداری می‌کنم. عنوان یکی دیگر از کتابها *بازدید نی از آفریقا* است. و-و به گمانم سه یا چهار مورد مربوط به جلسات من است. آن عزیزان موارد ذکر شده را جمع‌آوری و تهیه نموده‌اند، هدف کسب درآمد نیست بلکه پیشبرد پیغام است.

۱۴ ارائه و اشاعه‌ی پیغام امری خطیر و مهم است زیرا در ساعتی دیر هنگام به سر می‌بریم حتی بیش از تصور ما. در پایان دوره هستیم و کلیسا در شرایط اسفناکی به سر می‌برد و سعی ما پرتوافکنی روشنایی آفتاب در میان مردم است. هدف ما اشاعه‌ی اعتقادات خود در میان مردم نیست بلکه سعی می‌کنیم آنها را به جایی برسانیم که نزدیک‌تر به خداوند عیسی زندگی کنند و به او ایمان داشته باشند نه اینکه اعضای را از کلیسایی به کلیسایی دیگر جا به جا کنیم بلکه هدف ما وارد کردن افراد بیشتر به کلیساست.

۱۵ اکنون قبل از اینکه کلام را برای جلسه‌ی عصرگاهی، که جلسه‌ای کوتاه است، باز کنیم... نمی‌خواهیم برای زمان طولانی شما را نگه داریم زیرا عزیزان بسیاری از شهرهای اطراف آمده‌اند و باید به سرکار بازگردید. پس تا شنبه شب صبر می‌کنیم و آن زمان شما را بیشتر نگه خواهیم داشت. و یکشنبه نیز مجبور نیستید تا قبل از ساعت ۹ و نیم به مدرسه‌ی یکشنبه بروید.

بیاید سرهای خود را خم کرده و برای دقایقی دعا کنیم.

۱۶ خداوندا، بسیار بسیار سپاسگزاریم برای فرصتی که دست داد تا بیایم و سرهای خود را در حضور خدای زنده خم کنیم و می‌دانیم که از خداوند عیسی، آن یگانه پسر قدوس، وعده یافته‌ایم که هرآنچه از پدر در نام پدرش، خداوند عیسی، بطلبیم می‌یابیم. پس اطمینان داریم چنانچه به نام خداوند عیسی فرادست آییم با حق دیدار خواهیم کرد یا حتی هم‌سخن خواهیم شد زیرا او خود فرموده است: «هرآنچه در نام من از پدر بطلبید، او آن را عطا خواهد کرد.»

۱۷ یقین داریم که امشب خدا ما را می‌شنود و آنچه بطلبیم عطا خواهد شد زیرا حس می‌کنیم که اراده‌ی الهی را می‌طلبیم. خدا در جایی گفته است: «ندارید از این جهت که نمی‌طلبید. و نمی‌طلبید از این رو که ایمان ندارید.» خداوندا، ما اینک آمده‌ایم چون باور داریم. و باور داریم که تو جواب می‌دهی. به باور ما نه تنها انسان‌ها بلکه تو هم می‌شنوی و یقین داریم که پاسخ خواهی داد زیرا چنین وعده داده‌ای. عرض ما این است که اراده‌ات کرده شود.

۱۸ خداوندا، بگذار امشب چنین شود و شبی باشد که چیزی گفته و اموری انجام شود تا هر گناهکاری که اینجا تو را به عنوان نجات‌دهنده‌ی خود نمی‌شناسد، تو را به عنوان منجی خود بپذیرند.

۱۹ باشد امشب افرادی که روح‌القدس را دریافت نکرده‌اند ولی با اشتیاق تمام انتظار ساعتی را می‌کشند که فلس‌ها از چشمانشان فروافتد، با عنایت تو به کام خود برسند. ای خداوند باشد که روح‌القدس امشب هر قلبی را پر سازد. باشد که حضور روح‌القدس متجلی شود تا جان افراد به هیجان آید به حدی که هر شک و خرافاتی از آنها فروریزد و روح‌القدس وارد زندگیشان شده آنها را به جهت ملکوت خدا مُهر کند.

۲۰ خداوندا امشب عطا کن که هنگام پایان جلسه دیگر هیچ عزیزی در جمع ما بیمار نباشد. باشد که همه شفا یابند. ما عزیزان در بیمارستان‌ها و بستری‌شدگان و همین‌طور زندانیان را از یاد نمی‌بریم که به شدت به رحمت تو نیاز دارند. خداوندا، در کنار آنها باش.

۲۱ و باشد که امشب هنگام ترک این مکان چون شاگردان بگوییم: «امروز چیزهای عجیب دیدم.» و باشد که هنگام رفتن به خانه‌های خود قلب‌های ما در اندورنمان بسوزد. ای نجات‌دهنده‌ی ما، به تو توکل می‌کنیم تا بر حسب وعده‌ات این چیزها را به ما عطا کنی. و وعده‌ات همواره در راستای اراده‌ات است. این را در نام عیسی می‌طلبیم. آمین.

۲۲ چنانچه مایلید امشب به سراغ نگاشته‌های مقدس برویم، کتاب اول قرن‌تین باب ۱۱، بخشی از نگاشته‌ی مقدس را خواهیم خواند، از آیه‌ی ۲۳ شروع می‌کنیم.

زیرا من از خداوند یافتم آنچه به شما نیز سپردم که عیسی خداوند در شبی که او را تسلیم کردند، نان را گرفت.

و شکر نموده، پاره کرد و گفت، بگیرید بخورید. این است بدن من که برای شما پاره می‌شود. این را به یادگاری من به جا آرید.

و همچنین پیاله را نیز بعد از شام... و شکر نموده گفت، این پیاله‌ی عهد جدید است... هرگاه این را بنوشید، به یادگاری من بکنید.

زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می‌نمایید تا هنگامی که بازآید.

پس هرکه به طور ناشایسته نان را بخورد... و پیاله خداوند را بنوشد، مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود.

۲۳ اکنون می‌خواهم متن خود را... بخوانم بعد از بیست... آیه‌ی ۲۹.

پس هرکه به طور ناشایسته بخورد و بنوشد... مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود.

۲۴ اکنون، صبر کنید. اشتباه خواندم.

زیرا هرکه به طور ناشایسته می‌خورد و می‌نوشد... بدن خداوند را تمییز نمی‌کند.

... فتوای خود را می‌خورد و می‌نوشد اگر بدن خداوند را تمییز نمی‌کند.

۲۵ اشک‌هایم بر روی این کتاب مقدس ریخته شده و قسمت‌هایی از آن چروکیده شده است.

۲۶ «بدن خداوند را تمییز نمی‌کند.» حال، عنوان مبحث امشب ما تمییز دادن بدن خداوند است.

۲۷ گفتنی است مقصد ابدی ما با آنچه می‌بینیم و می‌شنویم معین نمی‌شود بلکه با تشخیص و درک ما از دیده‌ها و شنیده‌هایمان معین و بازساخت می‌شود.

۲۸ پولس با آن افراد بر سر شرکت در شام خداوند مباحثه نمی‌کرد. عمل آنها درست بود ولی درکشان نادرست. زیرا مشارکت در شام خداوند، فرمانی از جانب خود خداوند است اما برداشتن به ناشایستگی به معنی عدم درک و تشخیص بدن خداوند است که همین مسئله خود اشکال دارد. آن مسیحیان با وجود شرکت در عشاء ربانی مسیحی‌وارانه زندگی نمی‌کردند. مسیحیت هم تجربه است هم سبکی از زندگی. طرز زندگی آن مسیحیان الگوی کم فروغی از اعترافشان ارائه می‌داد. و پولس می‌گوید: «از این سبب بسیاری از شما ضعیف و مریض‌اند و بسیاری خوابیده‌اند» و به بیانی چنین افرادی مُرده‌اند «زیرا آنها معنی بدن خداوند را درک نکرده و تشخیص نداده‌اند.»

۲۹ پس ما که خود را مسیحی می‌خوانیم حق شرکت در آیین مشارکت را نداریم مگر اینکه دنیا هیچ ایرادی بر ما وارد نکند. هیچ حقی نداریم. شرکت در آیین مشارکت برای کسانی است که درست و پاک زندگی کرده و الگویی درست از مسیحیت ارائه می‌دهند. بدترین چیزی که در دنیا وجود دارد این است که شخصی سعی بر تقلید و جعل چیزی داشته باشد و امروزه در دنیا موارد بسیار این چنینی وجود دارد.

۳۰ امروزه ما نه تنها همان گناه سنگینی را که قرن‌تیان به خاطر انجام آن مورد عتاب پولس قرار گرفتند، مرتکب می‌شویم بلکه بدتر در پی آن هستیم که بدون تمییز دادن بدن خداوند، فرمان خداوند را جاری کنیم. و پیداست که منظور از بدن خداوند همان ایمانداران هستند.

۳۱ امروزه ما بی‌بهره از درک و تشخیص و تمییز کلام خدا، به کارهایی دست می‌زنیم. پیداست که تشخیص، شرط انجام هر کاری است. هر کار باید با کلام خدا سنجیده شود. کردار و گفتار مسیحیان باید سراسر با کلام خدا سنجیده شود.

۳۲ امروزه البته که مردم تغییر کرده‌اند ولی گهگاه بیشتر به گفته‌های کلیسا اعتماد می‌کنند تا به کلام خدا. به اعتقاد مردم کلیسا درست‌تر و در جایگاهی بهتر از کلام خدا، سلیقه‌ی ما را تشخیص می‌دهد. و به عنوان مثال کلیسا در جایگاه آن است که بگوید: «روزهای معجزات سپری شده است.» و بسیاری از مردم این سخن را باور خواهند کرد زیرا به زعم آنها درک کلیسا از آن مقوله، از درک روح‌القدس که نگارنده‌ی کلام است بالاتر است. پس چرایی این وضعیت را باید در ناتوانی ما از تمییز و تشخیص امور الهی جستجو کرد.

۳۳ عیسی یکبار گفت: «انسان نمی‌تواند ملکوت خدا را ببیند یا بفهمد جز اینکه از نو متولد شود.» به عبارتی دیگر «تا از نو متولد نشده باشید از تمییز و تشخیص پادشاهی خدا فرو خواهید ماند.»

۳۴ چه بسا مردم با سخنانی چون: «افرادی که تجربه‌ی تعمید روح‌القدس را پذیرفته‌اند، در واقع «دسته‌ای متعصب بیش نیستند.» ما را مخاطب کنند. یا حتی بگویند: «آنها خوشنام نیستند» زیرا به تحریک شیطان کلیسا و اعضای آن را «غلتندگان مقدس» می‌نامند. در سراسر دنیا موعظه کرده‌ام ولی تا به حال حتی یک غلتنده‌ی مقدس هم ندیده‌ام. این برجسبی است که شریر به کلیسای زنده‌ی خدا زده است. گاهی اوقات مردم از هرگونه تشخیص و تمییز درست بی‌بهره‌اند. آنها از درک مسائل هراس دارند.

۳۵ مگر نمی‌دانید که خود خداوند ما در انتظار عمومی... دیوانه خطاب می‌شد؟ طبق ادعای فریسیان یا به بیانی کلیسای رده بالا: «این مرد به سرش زده است. او دیو زده و دیوانه است.» واژه‌ی دیوانه «بی‌بهره بودن از هرگونه شعور» را می‌رساند. اگر او را «دیوانه» گفتند چقدر بیشتر شاگردانش را با چنین عناوینی خواهند خواند؟

۳۶ پولس به اغریپاس گفت: «به طریقتی که بدعت، «دیوانگی یا جهل» می‌گویند، خدای پدران را عبادت می‌کنم. از اینکه امشب به گونه‌ای دست در دست او هستم، شادمانم. به طریقتی خدا را عبادت می‌کنم که از دید کلیسای مدرن «تعصب» نام دارد. کلیسای خدای زنده «تعدادی بدعت‌گزار» نامیده می‌شد زیرا افراد به درستی بدن خداوند را تشخیص نداده بودند.

۳۷ و امشب به دلیل بی‌بهره بودن مردم از امکان تمییز و تشخیص، برجسب «دیوانگی و جهل» به کلیسا زده می‌شود. شرط، تولد دوباره‌ی شخص است. چه بسا به من بگویید

که با وجود بهره‌مندی از تولد تازه، به شفای الهی که وعده‌ی خداست، هیچ اعتقادی ندارید و حتی به تعمیم روح‌القدس برای مردم معاصر، معتقد نیستید پس من هم باید بگویم که از روحی دروغین زاده شده‌اید.

۳۸ زیرا این گفته‌ی خود روح‌القدس است: «زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه‌ی آنانی که دورند یعنی هر که خداوند خدای ما او را بخواند.»

۳۹ این را به گونه‌ای در چهارچوب فکری خاصی می‌پذیرید. مردم ادعای دیگران را می‌پذیرند ولی این پذیرش از روی تشخیص نیست. تشخیص درست از نادرست برای آنها امکان‌پذیر نیست.

۴۰ به نظرم امروزه بسیاری از ما علامه هستیم البته نه ما بلکه صحبت از بسیاری از علامه‌ها است. قوم خدا هیچ‌گاه جمعی از علامه‌ها نبوده است. کلام خدا می‌گوید: «فرزندان ظلمت در این جهان از فرزندان نور عاقل‌ترند.»

۴۱ خدا خاصان خود را به میشان تشبیه کرد. به بیانی آنها نه زرنگ هستند نه صاحب فراست. خدا چنین آنها را نگه می‌دارد باشد که از او هدایت بپذیرند. هرگاه بر آن می‌شوید تا با تکیه بر علم خود سیر کنید از چهارچوب الهی خارج خواهید شد، البته مختارید. «پسران خدا به روح خدا هدایت می‌شوند.»

ما در زمانه‌ی سیطره‌ی علامه‌ها به سر می‌بریم.

۴۲ چند ماه پیش همین جا مطلبی را در روزنامه خواندید. در نیویورک آزمایشی انجام شد. و مدتی پیش دو واعظ بی‌ادعا حس کردند که خداوند آنها را هدایت کرده، این افراد کمابیش مانند من بودند و به سختی «الف» را از «ب» تشخیص می‌دادند. خداوند آنها را به بوئری هدایت کرد. آنها ساختمانی را خریدند و مشغول موعظه‌ی انجیل برای برادران فروافتاده‌ی خود شدند. شرکت بزرگی برای خرید آن مکان از راه رسید. به جز ملک آن واعظان، همه‌ی زمین‌ها فروخته شده بود. آنها مکاشفه‌ای داشتند مبنی بر اینکه خواست خداوند مانند در آن مکان است پس ملک خود را نگه داشتند.

۴۳ ولی دیری نپایید که مقامات، این عزیزان را به دادگاه کشاندند. به این منظور یک علامه یا به قولی یکی از آن غول‌های روشنفکر به نام وکیل گرنیوال را اجیر کردند و او کاری کرد تا این دو شخص خجل شده و احساس شرمندگی کنند. آن عزیزان در مقابل بیان شیوا و فاخر آن وکیل عاجز بودند. او یک علامه بود، یکی از مطرح‌ترین وکلای... نیویورک. این دو عزیز چنان در بحث سردرگم شده بودند که زبانشان از بیان هر سخنی عاجز شده بود. سرانجام وکیل با لحن کوبنده‌ای چنین گفت: «برای دفاع خود چه می‌گویید؟»

۴۴ یکی از آن واعظان بی‌ادعا برخاست و دست دیگری را گرفت و گفت: «آقا، تنها چیزی که می‌دانیم این است که خداوند به ما گفت این ساختمان را بگیریم.»

۴۵ جناب وکیل گرنیوال پاسخ دادند: «همین جا مکث کنید. در این مورد هیچ جایگاهی برای خداوند قائل نمی‌شویم.»

۴۶ دو هفته بعد هواپیمایی که می‌کوشید از زیر پل گذر کند در آب‌های سرد یخی فروافتاد. و آنجا وکیل گرینوال در آب افتاد، او تقلا می‌کرد و در حال مرگ بود. جای شگفتی است اگر در این صحنه خدا را طلبیده باشد.

۴۷ چرا چنین شد؟ زیرا با وجود اینکه آن واعظان به واسطه‌ی مسح روح‌القدس خواست خدا را جاری می‌کردند، این وکیل نمی‌توانست بدن خداوند را شخیص دهد. نیاز ما علامه شدن نیست بلکه نیاز ما عبادت و خدمت خداوند در فروتنی تمام و تشخیص بدن خداوند است. این آقا با وجود آن همه هوش و ذکاوت، زرنگی و مکر، تحصیلات و فرهیختگی چه سرانجامی داشت؟ چنانکه می‌دانید به گفته‌ی کتاب مقدس: «بهتر است سنگ آسیابی بر گردن خود آویخته، در قعر دریا غرق شوید تا اینکه به مسح‌شده‌ی من آسیبی برسانید.» به گمانم آن آقا به اندازه‌ی کافی فرصت استمداد از خدا را داشت اما دریغا که بدن خداوند را تشخیص و تمییز نداده بود.

۴۸ گاهی در عجبم که آیا ما آمریکایی‌ها با وجود فضل و علمی که در خود سراغ داریم درک کافی برای تشخیص و تمییز درست از نادرست را داریم یا خیر؟ از اوضاع دادگاه‌های نوجوانان پیداست که دست‌کم قدرت تشخیص درست از نادرست را برای فرزندان خود خوب اعمال نمی‌کنیم هرچند استدلال‌های روانشناسی در توجیه این پدیده عنوان می‌شود.

۴۹ برای مواردی از این دست می‌توان مثالی را بیان کرد. اگر آقا پسری پیش پدر خود برود و پای خود را بکوبد و فریادزنان سر خود را تکان داده، بگوید: «پدر، نظر تو برایم مهم نیست. ماشین مسابقه می‌خواهم.» [برادر برانه‌ام از یک اسباب بازی صحبت می‌کند- گروه تألیف.] این یک صحنه‌ی آشنا در آمریکاست.

و پدر پاسخ دهد: «بسیار خوب پسر برایت می‌خرم.»

آیا می‌توانید به این پدر بگویید: «دلیل این کارت چیست؟»

«زیرا او را دوست دارم.»

۵۰ ای پدر، این را به یاد داشته باش که روزی آقا پسرتان بزرگ خواهد شد، او ازدواج کرده و تشکیل خانواده خواهد داد. خدا به فریاد همسری برسد که با چنین پسری زندگی می‌کند که برای رسیدن به خواسته‌ی خود هر روشی را در پیش می‌گیرد. چنین فردی درست را از نادرست تشخیص نمی‌دهد. پس به این کار محبت نمی‌گویند. این نادانی و جهل محض است. کتاب مقدس حق است. «بازداشتن چوب همان بی‌مه‌ری به فرزند است.»

۵۱ فانی کوچک به سراغ مادر خود می‌رود و تقاضای رفتن به راک اند رول را دارد. مادر می‌گوید که او اجازه ندارد. «مامان تو داری در حق من ظلم می‌کنی.» و صدالبته که شما فانی را دوست دارید و در نهایت به او اجازه می‌دهید برود. او گیر دسته‌ای ارادل و اوپاش می‌افتد، به قولی افراد بی‌سر و پا؛ آن دختر با لب‌های غنچه شده و رنگین آمده و به دروغ به شما می‌گوید: «خطری در رفتن به آنجا نیست.» خدا به مردی که با چنین دختری ازدواج می‌کند، رحم کند. مسئله عدم تشخیص درست از

نادرست است، پیداست که نمی‌توانیم برای خویشاوندان خود، درست از نادرست را تشخیص دهیم.

۵۲ با این توصیف گاهی توان تشخیص درست از نادرست برای بدن خود را نداریم چه رسد به بدن خداوند. ما در تشخیص آنچه برای بدن خود درست و نادرست است، فرو مانده‌ایم. دانشمندان روزهای متمادی، هفته‌های متوالی، ماه‌ها و ماه‌ها و سالیان سال در آزمایشگاه‌های خود کار می‌کنند و نوشته‌های فراوانی ارائه می‌دهند. آنها با عناوین هشدارآمیزی چون: «پاکتی از سرطان» به طور گسترده برای آگاه‌سازی مردم می‌کوشند. عزیزان، دویست و هفتاد و چند هزار نفر آمریکایی امسال به خاطر استعمال دخانیات جان خود را از دست خواهند داد، شگفتا که با این حال باز سیگار می‌کشید. پس چنانچه پیداست از بازشناخت مسائل مربوط به بدن خود ناتوانید چه رسد که به تنهایی توان بازشناخت روح‌القدس و بدن خداوند را داشته باشید.

۵۳ آیا مقاله‌ای که چندی پیش دانشمندی در پی پژوهش‌های خود منتشر ساخت را مطالعه کرده‌اید؟ او گفت: «سیگار کشیدن نه تنها سرطان‌زاست بلکه شانس ابتلا به بیماری‌های دیگر را پنجاه درصد افزایش می‌دهد.»

۵۴ همین اواخر خانمی پس از شنیدن انتقاد سختم [از استعمال دخانیات] به من نزدیک شد. آن خانم سیگاری بود. پس گفت: «وقتی به خانه رسیدید این یادداشت را بخوانید.» نوشته‌اش در جیبم است.

۵۵ پاسخ دادم: «سپاسگزارم. همین الان آن را می‌خوانم.» پس آن یادداشت را برداشتم و سرگرم مطالعه شدم.

۵۶ او گفت: «برای یک خادم مؤدبانه نیست که پای منبر به استعمال دخانیات بتازد. به شما هیچ ارتباطی ندارد.»

۵۷ پاسخ دادم: «تخطئه‌ی مسائل نادرست از وظایف من است.»

۵۸ خدا به واعظانی که توان بازشناخت حق و راستی را ندارند رحم کند؛ اینجا منظورم آن دسته از واعظانی است که نمی‌توانند به یاری روح‌القدس نیازهای جماعت خود را تشخیص دهند. خدا در همین راستا چنین گفت: «این بدن هیکل روح‌القدس است. اگر آن را بی‌حرمت سازید، آن را ویران خواهیم ساخت.» پس باید به ضد سیگار صحبت کنیم. مشکل در اینجاست که بسیاری از واعظان خود سیگار می‌کشند. مشکل همین‌جاست. پس از اینکه این مسئله را در جمع مطرح کنند، هراس دارند چون می‌دانند در این زمینه خود به بیراهه رفتند.

«تشخیص درست، تقسیم‌بندی درست.» [در متن انگلیسی اشاره‌ای است به دوم قرنتیان ۲: ۱۵ که بر تقسیم‌بندی درست کلام تأکید دارد- گروه تألیف.]

۵۹ چنانکه پیداست درباره‌ی ویسکی و مشروبات می‌گویند که: «مضر است.» با این وجود در برنامه‌های تلویزیونی، در همه‌ی بیلبردها، در روزنامه‌هایی که می‌خوانید تصویری از یک بطری آبجو همراه زنی جذاب که در حال نوشیدن آن است، دیده می‌شود. آنچه به شما نشان داده می‌شود، آغاز روند است. ولی جا دارد کمی پس از

آن به همان زنان نگاه کنید. ذهن آنها مسموم می‌شود. این مسئله به شدت به شیوع ناهنجاری‌های روانی دامن می‌زند. و همین امر باعث رواج امور غیراخلاقی در میان جوانان می‌شود.

۶۰ و حتی کلیساها امروزه چنین موعظه و تکرار می‌کنند: «مشروب را در حد کم بنوشید.» می‌دانید این واقعیت دارد. در فضای خانه به جوانان و همین‌طور به پدر و مادرهای آنها می‌گویند: «جازه دهید فرزندانمان مشروب بنوشند. آنها به هر صورت به سوی مشروبات کشیده خواهند شد پس خود به آنها یاد دهید که در مشروب‌خواری اعتدال پیشه کنند.» کتاب مقدس این امر را محکوم می‌کند. کار درستی نیست. خدا به شخص یا کلیسایی که درک بیشتری از آن ندارد، به کسی که قدرت تشخیص درست از نادرست را ندارد، کمک کند. ما در روزگار وحشتناکی به سر می‌بریم.

سخن از «تشخیص بدن خداوند» است.

۶۱ روشی که امروزه زنان ما در کلیسا و در میان جماعت کلیسایی در پیش گرفته‌اند، شرم‌آور است. بسیاری از آنها لباس‌های نامناسب غیراخلاقی و شلوارک‌های کوتاه بر تن می‌کنند. بسیار گناه‌آلود است. خانمی به من گفت، البته بسیاری از مردم به من همین حرف را زده‌اند، او گفت: «بیلی، بهتر است از صحبت کردن در این مورد دست برداری.» خیر، آقا. شاید بر حسب وظیفه مجبور باشم موعظه کنم ولی حقیقت را خواهم گفت. درست است. درست است. عین حقیقت است. [جماعت دست می‌زنند-گروه تألیف.] سپاسگزارم. این کار اشتباه و گناه‌آلود است.

۶۲ خانمی بود که به من گفت: «من شلوارک نمی‌پوشم. من شلوار بر تن می‌کنم.»

۶۳ پاسخ دادم: «این بد است. طبق کتاب مقدس پوشیدن لباس مردانه برای زنان از دید خدا مکروه است.» این حقیقت دارد.

۶۴ و چنین بهانه‌ای آورده می‌شود: «غیر از این، لباس‌های دیگری تولید نمی‌شود.» اما هنوز چرخ خیاطی تولید می‌شود و فروش خوبی هم دارد.

۶۵ زنی که چنین لباسی بر تن می‌کند در روز داوری زناکار محسوب خواهد شد. چه بسا نسبت به همسر و نامزد خود مانند یک سوسن پاک باشید. اما عیسی گفت: «هر کس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است.» شاید در عمل هیچ کار نادرستی انجام نداده باشید. اما وقتی لباس نامناسب بر تن می‌کنید خود را به یک مرد عرضه می‌کنید و او باید پاسخگوی ارتکاب زنا باشد و شما مقصر هستید. تأسف برانگیز است.

۶۶ موهای خود را کوتاه می‌کنند. کتاب مقدس می‌گوید: «اگر زنی موهای خود را کوتاه کند در موقعیت انقطاع قرار می‌گیرد و شوهرش را مجاز به انفعال می‌سازد.» زیرا او بی‌وفاست. خدا گفت که: «آن زن سر خود را رسوا ساخته است.» درست است؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.»-گروه تألیف.] «و مرد سر زن است.» می‌دانم سخن تندی است ولی ما به تشخیص نیاز داریم.

۶۷ به تشخیص این امر از راه کلام خدا نیاز داریم. کلام حق است. کلام خدا را برگیرید. کلام خدا همواره درست است. به هیچ روی نمی‌توانیم طرز تفکر دیگران یا گفته‌های روشنفکران، یا سخنان روانشناسان را ملاک تشخیص قرار دهیم. باید با آنچه خدا فرموده پیش روییم. «انسان نه محض نان زیست می‌کند بلکه به هر کلامی که از دهان خدا صادر می‌شود.»

۶۸ «به سبب عدم تشخیص و تمییز بدن خداوند، بسیاری ضعیف و مریض‌اند و بسیاری خوابیده‌اند یا مُرده‌اند به عبارتی به مرگ روحانی دچار شده‌اند.» واپسین بلایی که بر مصر فرود آمد، مرگ بود. به همین ترتیب واپسین بلایی که بر کلیسا فرود می‌آید، مرگ روحانی است. پس بیداری روحانی نیاز امروزی ماست، برخورداری از چنین تشخیصی مستلزم یک بیداری روحانی است.

۶۹ چه بسا مردم این کار را با قصد و نیت خوبی انجام داده باشند.

۷۰ آن مرد، آن پزشک اهل جنوب چندی پیش به بیمار خود اسید سولفوریک داد و او را کشت. او نیت خوبی داشت. هرچند به زعم خودش کار درستی انجام داده بود ولی پیداست تشخیص ضعیفی داشت. او داروی مورد نیاز آن آقا را به درستی تشخیص نداده بود.

۷۱ مانند آن دخترکی که در زمان عبور از خیابان به یک بچه گربه‌ی خیس و نیمه یخ زده برخورد. آن دختر گربه را گرفت و در فر را باز کرد و گربه را داخل فر گذاشت تا گرم شود. هرچند قصد خوبی داشت اما پیداست تشخیصش ضعیف بود. چرا... ما هم با چنین بی‌دقتی و تشخیص‌های روشنفکرگرایانه‌ی خود بچه گربه را خواهیم پخت.

اینک کمونیست‌ها بر ما یورش می‌آورند. اینک آماج حملات دنیا هستیم.

۷۲ کلیساهای ما در حال فروپاشی هستند. «آقایان درگیر اختلاف‌های خود هستند و راه خود را جدا می‌کنند، چنانکه پیداست از آن ایمان بویی نبرده‌اند.» بحث و مجادله بر سر آموزه‌های بسیار جزئی همه‌گیر شده است. باید با هم متحد شویم، دست در دست هم به یکدل دعا کنیم و روزه بگیریم و بطلبیم تا خدا روح‌القدس را باز فرستد باشد که آن تشخیص روحانی در ما پیدا شود.

۷۳ زمان به انتهای خود رسیده است، ما در سایه‌ی بازگشت خداوند به سر می‌بریم ولی کلیسا از بازشناخت این امر ناتوان است. هم اکنون دیر هنگام است، دیرتر از آنچه فکر می‌کنیم.

۷۴ اگر ممکن بود پولس از مردگان برخیزد، امشب آتشی در میدلتون برپا می‌شد! ولی او را پیش از سپیده‌دم همانند «یک دیوانه یا مرد وحشی» به زندان می‌انداختند. با مشاهده‌ی وضعیت کنونی، بر آن مرد پر از روح‌القدس روشن می‌شد که زمان نزدیک شده است، پس بی‌گمان بیداری رخ خواهد داد یا آنها به زندان خواهند افتاد باشد که به او گوش کنند. درست است.

۷۵ حال این گفته‌ی عیسی است و کتاب مقدس همین امر را بیان می‌کند. «در روزهای واپسین، درست پیش از بازگشت خداوند، آیات و شگفتی بر روی زمین رخ

خواهد داد.» ولی چنانکه پیداست کلیسا با وجود الهیات و انواع برنامه‌های آموزشی، تعلیمی و تحصیلی مُرده است به حدی که از بازساخت این امور ناتوان است.

۷۶ مگر عیسی به کلیسای زمان خود چنین نگفت: «می‌توانید صورت آسمان را تمییز دهید اما نمی‌توانید علاماتِ زمان خود را تشخیص دهید. اگر مرا می‌شناختید روز مرا نیز بازمی‌شناختید.»

۷۷ زمان‌هایی کلیسا فرارسیده است ولی آن را تشخیص نمی‌دهند. ما بسیار... گاهی اشتباه است. درباره‌ی کل کلیسا صحبت می‌کنیم، به بیانی این امر شامل تمام کسانی می‌شود که خود را مسیحی می‌دانند.

۷۸ هرچند خدا می‌تواند حرکتی را شروع کرده و امور روحانی رخ دهد و افراد نجات یافته و از روح‌القدس پر شوند ولی باز هزاران نفر که خود را مسیحی می‌دانند از آن امر الهی رویگردان خواهند شد و خواهند گفت: «ولی آن مسئله! آن پدیده، آنها دسته‌ای از غلتندگان مقدس هستند.» پر واضح است که از تشخیص روحانی برخوردار نیستید.

۷۹ هر عملکرد روح‌القدس در کتاب مقدس نوشته شده است. در هر امر نگاشته‌های مقدس را ملاک سنجش قرار دهید. با این روش درستی تشخیص ما بازساختنی می‌شود.

۸۰ پس اگر به اذعان کتاب مقدس: «عیسی دیروز، امروز و تا ابد همان است.» به آن امر مقدس ایمان می‌آورم. اگر کتاب مقدس... اگر خود عیسی گفته باشد که: «کارهایی که من انجام می‌دهم شما نیز انجام خواهید داد.» به آن ایمان می‌آورم. و اگر به اذعان کتاب مقدس: «روح‌القدس برای همه‌ی نسل‌هاست، برای تک‌تک افرادی که خداوند خدای ما بخواند.» باور نخواهم کرد که یک دست دادن می‌تواند جایگزین این امر شود.

۸۱ ایمان دارم همان روح‌القدسی که فرود می‌آید، پس او همان آیات و شگفتی‌ها را نمایان می‌سازد. ما روح‌القدس را دریافت می‌کنیم و بهترین شاهی که در این زمینه داریم این است که روح ما کلام خدا را به جان می‌خرد.

۸۲ اگر خود را مسیحی می‌دانیم و مدعی هستیم که از روح‌القدس پر شده‌ایم و با وجود دیدن تعمید روح‌القدس ایمانداران سراسر اعصار باز روح ما می‌گوید: «آن برای عصر دیگری بود.» پس در اشتباه هستید. درست است.

۸۳ وقتی به اذعان کتاب مقدس، عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابد همان است ولی روح ما می‌گوید: «نه، او مُرده است. او رفته است.» جایی اشکالی وجود دارد.

۸۴ عیسی خود چنین گفت: «کارهایی که من می‌کنم شما نیز خواهید کرد. همواره تا انقضای عالم با شما خواهم بود.» چنانچه روح ما این امر را قبول نداشته باشد پس از روح‌القدس بی‌بهره هستیم.

۸۵ زیرا روح‌القدس به واژه واژه‌ی نگاشته‌ی خدا «آمین» می‌گوید. پس شناخت برخاسته از علمتان باعث دور شما شدن از کلام می‌شود ولی پیداست که روح‌القدس به کلام خویش «آمین» خواهد گفت. او به یقین این کار را خواهد کرد.

۸۶ آری، خدا با اشتیاق تمام در طلب و جویای کسی می‌شود که بتواند در درونش سکنی گزیند. او مشتاقانه در پی چنین چیزی است.

۸۷ مبدا فکر کنید که می‌توانید گنجینه‌ی لطف الهی را به انتها برسانید. آیا تصوّر پذیر و انگاشتنی است که یک ماهی کوچک یک سانتیمتری در میان اقیانوس آرام به خود بگوید که: «بهتر است از نوشیدن آب بیشتر خودداری کنم مبدا تمام شود؟» پس چنانچه تصوّر می‌کنید که می‌توانید نیکویی‌های خدا را به انتها برسانید در نادانی محض به سر می‌برید. پس «به فراوانی بطلبید تا شادی شما کامل شود.» به هر وعده‌ی الهی ایمان داشته باشید. از آن شماست.

۸۸ انبیا عهد عتیق چون دانیال و دیگران چنین گفتند: «در روزهای واپسین افراد به برکت شناخت خدای خویش کارهای بزرگی خواهند کرد.» این یکی از وعده‌هاست.

۸۹ ولی عالمان پس از دیدن کارهای بزرگ خواهند گفت: «این روانشناسی است. تله‌پاتی ذهنی است. از کارهای دیوها است.»

۹۰ اما روح‌القدس چنین پاسخ می‌دهد: «آمین، این حق است.» همین‌جا تشخیص درست مفهوم پیدا می‌کند.

۹۱ آنها این را وعده دادند. عیسی هم در همان راستا وعده داد. گفته‌ی عیسی از این قرار است: «کارهایی که من انجام می‌دهم شما نیز خواهید کرد، حتی بزرگتر از آن خواهید کرد زیرا نزد پدر خود می‌روم.»

۹۲ پولس به واسطه‌ی روح‌القدس چنین اخبار کرد: «در روزهای واپسین کلیسا فرو خواهد افتاد.» اینجا صحبت از میلیون‌ها نفر می‌شود «زمان‌های سخت پدید خواهد آمد زیرا مردمان تندمزاج و مغرور خواهند بود که عشرت را بیشتر از خدا دوست می‌دارند؛ کینه‌دل، غیبت‌گو، ناپرهیز و متنفر از نیکویی [خواهند بود].»

چه بسا بگویید: «منظور در اینجا کمونیست‌ها هستند.»

۹۳ اما اینجا صحبت از فرد مسیحی نما است. جا دارد به آیه‌ی پایین نگاه کنید: «صورت دینداری دارند لیکن قوت آن را انکار می‌کنند.» از تشخیص روحانی خبری نیست.

۹۴ به سلاح تشخیص روحانی و قرار گرفتن روح‌القدس بر شما، مسائل از دریچه‌ی روحانی برای شما سنجیدنی خواهند شد. آن تشخیص و درک روحانی به هر کلام خدا «آمین» می‌گوید.

۹۵ پولس از پیش، آمدن چنین روزگاری را خبر داده بود. هم اینک در چنین روزگاری به سر می‌بریم. این مسئله هم اکنون عینیت یافته است. از نزدیک به ما حمله می‌شود. به قولی بر ما آمده‌اند. همین که نگاه کنیم به چشم می‌آید. از هر جانب صدای آن به گوش می‌آید.

۹۶ پس با این اوصاف چه کنیم؟ وجود این امور باید ما را به هم نزدیک کند. سخن کتاب مقدس چنین است: «با یکدیگر جمع شوید و هنگامی که می‌بینید آن روز موعود نزدیک است بیشتر چنین کنید.» پس باید شاهد ظهور بیداری‌های پی در پی باشیم و

چنین آتش جلال خدا به شکل فراگیر در کلیساها و کانون‌ها، برافروخته و برپا می‌شود. سخن از یک گردهمایی بزرگ است. این در فضایی پیش می‌آید که کلیساها همه «با یکدلی و هماهنگی گردهم آیند» و الهیات ساخته پرداخته‌ی بشری خود را فراموش کنند و چنین برای برخورداری از نیروی آسمانی و تشخیص روحانی به درگاه خدا فریاد کنند. نیاز ما این است که چنین ساعتی فرا برسد.

۹۷ چنانکه در جلسه‌ی شب گذشته به آن اشاره کردم، گفتنی است عیسی از کیفیت روز و روزگاری سخن گفت تا بازشناخت روزگار واپسین برای ما امکان‌پذیر باشد. عیسی در این راستا چنین گفت: «همچنان که در ایام لوط بود زمان بازگشت پسر انسان نیز بر همین منوال خواهد بود.» اکنون این جمله «همچنان که در ایام لوط بود» برای روح شما بازشناختنی است؟ جای یادآوری است که لوط در حکم نمونه‌ای از آمریکاست. این ادعا قابل اثبات است. خوب گناه سدوم چه بود؟ انحراف. و اوضاع آمریکای ما چنین است و زنان چنان به تباهی کشیده شده‌اند که انحراف گریبان‌گیر مردان شده است.

۹۸ چند هفته پیش در لوس آنجلس در خدمت مجمع بازرگانان مسیحی بودم. و یکی از کاغذهای یادداشت آنها را برداشتم و دیدم تحلیلگری چنین گفته است: «انحراف و همجنسگرایی در سال گذشته بیست درصد افزایش یافته است.»

عیسی گفته بود: «همچنان که در روزگار سدوم بود.»

۹۹ پلیس و نیروی مقابله با جنایات بیشتر از گذشته برای جدا کردن پسران که مانند زن و شوهر با هم زندگی می‌کنند، به تکاپو افتاده است؛ این پدیده گریبان‌گیر زنان هم شده است. از نظر ذهنی به بیراهه رفته‌اند و دلیل این امر نبود تشخیص روحانی است. همه چیز در شهوت‌رانی و پلیدی خلاصه شده است. نمی‌توانند از بودن با یک نفر احساس رضایت داشته باشند. ازدواج هم نمی‌کنند. آنها با هم زندگی می‌کنند و سرانجام منحرف می‌شوند. به گفته‌ی عیسی اوضاع روزگار واپسین چنین خواهد بود و هم اکنون این امر قابل مشاهده است.

۱۰۰ پس جا دارد شما هم وضعیت روزگار سدوم را به یاد داشته باشید. به گمانم شما خادمان و پژوهشگران کتاب مقدس با این موضوع موافقید. دکتر اسکافیلد، بیشتر عالمان، چارلز فولر و بسیاری از پژوهندگان برجسته‌ی این کشور و دیگران در این باره هم رأی هستند. ابراهیم نمایانگر روح یا به سخنی کلیسای روحانی است. در حالی که لوط نمایانگر کلیسای جسمانی و به قولی در بند محسوسات است. او در فضای سدوم یا به عبارتی در فضای گناه بود. آری، او با وجود پارسایی و عدالت درونی ولی با آن فضا اختلاط داشت.

۱۰۱ و به یاد داشته باشید، دو تن از واعظان که در شمار علامه‌ها هستند برای موعظه وارد سدوم شدند. آنها معجزه نکردند، تنها مردم را دچار کوری کردند. آری، اعلام صلیب بی‌ایمانان را کوردلی می‌سازد. جلسات بزرگ بیلی گراهام چنین ویژگی دارند و مردم به کوردلی دچار می‌شوند. پس بدتر از گذشته می‌شوند.

۱۰۲ چند هفته پیش بیلی گراهام به نکته‌ای اشاره کرد که حتماً به گوشتان خورده است. او به همراه خانم خود ناگزیر از یکی از همان پارک‌هایی که در آن جلسه‌ی بزرگ بیداری برگزار کرده بود، بیرون آمد چون در همان فضا مردان و زنان در برابر دیدگان همه رابطه‌ی جنسی برقرار می‌کردند. او در آن مکان زمینه‌ساز بیداری شده بود.

۱۰۳ ولی هیچ کارساز بود؟ اندیشه‌ورزی این درد را دوا نخواهد کرد. شرط تغییر هر چند اندک در دنیا، فرود آمدن خشم الهی و آتش مقدس از آسمان است ولی این اتفاق نخواهد افتاد. مردم چشم به راه اتفاقی بزرگ هستند غافل از اینکه اینک در فرجام روندی هستید که پیش‌تر آغاز شده است. اینک واپسین نشانه‌ها به کلیسای امت‌ها داده شده است. یهودیان پس از برگرفته شدن کلیسا، آن امر مقدس را تجربه خواهند کرد. پس در پایان عصر امت‌ها هستیم.

اکنون به پایان جلسه رسیده‌ایم و باید به نکته‌ای اشاره کنم.

۱۰۴ آیا توجه کرده‌اید که چه شخصی پشت این مسائل است و کلیسای روحانی را مخاطب می‌سازد؟ او به خیمه پشت کرد (سخن از شخصی غریبه است) و چنین گفت: «همسرت ساره کجاست؟»

[ابراهیم] پاسخ داد: «او درون خیمه است.»

۱۰۵ پس فرمود: «ای ابراهیم، بر حسب وعده‌ی خود به تو، از تو تفقد خواهیم کرد.» و او... سارا داخل [خیمه] در دل خود خندید.

آن فرشته پرسید؟ «چرا سارا خندید؟»

۱۰۶ عیسی چنین گفت: «همان‌طور که در ایام سدوم بود، زمان بازگشت پسر انسان نیز همچنان خواهد بود.» اکنون آیا متوجه شدید؟ متوجه شدید که چرا چنین خدمتی تنها برای باورمندان به انجیل تام است؟ [جماعت پاسخ می‌دهند: «آمین.» - گروه تألیف.] آیا می‌بینید از کجا نشأت می‌گیرد؟ من خود در جماعتی باپتیست تربیت شده‌ام و به همین ترتیب یک واعظ میسونر باپتیست شدم. ولی هنگامی که ندایی در قلبم طنین‌انداز شد، کلام خدا را بازشناختم و خدا امر را بر من متجلی ساخت.

۱۰۷ به من می‌گفتند: «بیلی، تو هم یک غلتنده‌ی مقدس می‌شوی. هیچ کس به چنین چیزی گوش نخواهد کرد.»

۱۰۸ پاسخ من چنین بود: «اگر از جانب خدا باشد پس طبق وعده‌ی خود خدا در کتاب مقدس، او کسی را خواهد داشت که به آن گوش دهد.» درست است.

۱۰۹ بیایید بدن خداوند را تمییز دهیم، عصری که در آن به سر می‌بریم را تشخیص دهیم. اگر چنین نکنیم مرگ روحانی به سراغ ما خواهد آمد. اگر این امر درست باشد پس به این معنی است که روح‌القدس با ماست و اینک واپسین نشانه‌ی بازگشت خداوند نزد ما نمود یافته است و درست پیش از بازگشت خداوند... به یاد داشته باشید درست پیش از آنکه سدوم طعمه‌ی آتش شود، نشانه‌ای متجلی شد، بله، تنها چند ساعت پیش از آنکه طعمه‌ی آتش شود. به باورم امروزه بسیاری...

۱۱۰ همگی سخنی که خروشچف چندی پیش خطاب به آمریکاییان گفت را شنیده‌اید. آن مطلب را در روزنامه خوانده‌اید. اظهاراتش اینجاست. با داشتن حداقل درک معمولی می‌توان آن را فهمید. او گفت: «اگر خدایی هست پس بی‌گمان هیکل خود را به اصطلاح خانه‌تکانی خواهد کرد و آن را از وجود صراف‌های سرمایه‌داری که سراغ دارید پاکسازی خواهد کرد.» هیچ معنی این سخن را می‌دانید؟ او حق دارد. کار به جایی رسیده که شخصی بی‌دین و دیوصفت و فریبکار زبان به تهدید باز می‌کند.

۱۱۱ با این وجود مردم در خواب غفلت به سر می‌برند، پس با بی‌اعتنایی نسبت به این مسائل به کارهای گناه‌آلود و مشروب‌خواری خود ادامه می‌دهند. چرایی این وضعیت را باید در عدم تشخیص روحانی بدن خداوند جستجو کرد. روزگار عجیبی است!

۱۱۲ ای برادر، ای خواهر، روی سخنم با شما عزیزانم است، به هیچ روی قصد جانبداری ندارم. تنها به بیان حقیقت در محضر شما بسنده می‌کنم. فقط نسبت به کتاب مقدس مسئول هستم. حال خدمت شما عزیزان عرض می‌کنم که اگر من را به عنوان نبی خدا یا خادم خدا باور دارید پس ایمان داشته باشید که حقیقت را برای شما بازگو کرده‌ام. پایان نزدیک است. اینکه تا چه اندازه نزدیک است، نمی‌دانم و هیچ کس دیگر هم از این امر آگاهی ندارد. اما می‌دانم که اینک زیر سایه‌ی بازگشت خداوند به سر می‌بریم.

مگر این تهدید را نمی‌بینید؟ مشاهده می‌کنید که دستاوردهای چشمگیری دارند.

۱۱۳ مردم با روی آوردن به مشروبات و همین‌طور با طنزپردازی در این باب، سعی می‌کنند این واقعیت را نادیده بگیرند. نمی‌شود این مسائل را نادیده انگاشت. آنها چنین رفتاری دارند و به این ترتیب از تشخیص روحانی که خدا می‌تواند به آنها نشان دهد فاصله می‌گیرند، همان دستخط منقوش بر روی دیوار. می‌دانیم آن آنجاست. شما می‌توانید با جوک‌سازی و [اتماشای برنامه‌های] هالیوود این مسئله را از یاد ببرید یا حتی با ماندن در همان فضای خانه‌ی خود به دلخواه درباره‌ی آن امر مقدس معامله کنید.

۱۱۴ ولی هر مرد یا زن برخوردار از تولد تازه به برکت نیروی تمییز و تشخیص روح‌القدس، جایگاه خود را در کلیسا خواهد یافت. او پرستش و گریه خواهد کرد و در زندگی خود به هر کاری دست می‌زند باشد که گناهکاران وارد آن حریم مقدس شوند. در این شکی نیست. اگر خدا هست پس بر ماست که در این راه بشتابیم. اگر از قدرت تشخیص برخوردارید، بی‌گمان با همه‌ی وجود خود در آن راستا خواهید کوشید.

۱۱۵ مبدا به این سخن بسنده کنید که: «بله، به آن ایمان دارم. حق است. آن خوب است. آمین.» و سپس به خانه بروید.

۱۱۶ باید دست به کار شد. به درک و تشخیص رسیده‌اید. تا روشنایی هست کار کنید و بکوشید زیرا شب هم از راه می‌رسد که در آن کسی دیگر نمی‌تواند کار کند. تا هنگامی که دری بر ما گشاده است، بکوشیم و کار کنیم. تا امکان برگزاری چنین جلساتی را داریم، کار کنید. عزیزان خود را وارد کنیم. به آنها مژده‌رسانی کنیم. دوستان و همسایگان خود را دریابیم. خدا به خاطر همین مردم، طعم مرگ را چشید. و ما باید

چنان برای مردم بار داشته باشیم که از سخت‌کوشی از دستان ما خون جاری شود. اگر چنین نکنیم دست خالی خواهیم آمد.

۱۱۷ درست مانند داستان آن دختر بچه در کنتاکی که همین اواخر در آن تپه از دنیا رفت. آنها هشت فرزند بودند. دختر کوچکی که فرزند وسطی خانواده بود دوازده سال داشت. [دیگر] خواهران و برادران بسیار تنبل بودند و دست به سیاه و سفید نمی‌زدند. مادر آن دختر به خاطر سل بیمار و در بستر مرگ بود. آن دختر کوچک هم گردگیری می‌کرد و آشپزی و شستشو را انجام می‌داد و هم از مادر پرستاری می‌کرد در حالی که دیگران پرسه‌زنی و بازی می‌کردند و به شنا می‌رفتند.

۱۱۸ سرانجام مادر چشم از این دنیا فرو بست و آن دختر کوچک به ناچار باید به آن کارها ادامه می‌داد زیرا بچه‌های دیگر هیچ تن به کار نمی‌دادند. آن دختر کار کرد و کار کرد و کار کرد تا اینکه سرانجام به بیماری هولناک سوءتغذیه دچار شد و چیزی برای خوردن نداشت و غیره. بدن کوچکش نحیف شده بود. او در حال مرگ بود.

۱۱۹ یکی از معلمان مدرسه‌ی یکشنبه پیش او رفت و پرسید: «آیا تو مسیحی هستی؟»

دختر پاسخ داد: «بله، هستم.»

پرسید: «به چه فرقه‌ای تعلق داری؟»

دختر ک پاسخ داد: «عضو هیچ فرقه‌ای نیستم.»

۱۲۰ پرسید: «پس چگونه در دنیایی که واردش می‌شوی، عیسی را ملاقات می‌کنی؟»
به او چه چیز را نشان می‌دهی، عضو کدام کلیسا هستی؟»

پاسخ داد: «همین بس که دست‌هایم را نشان دهم، او خواهد فهمید.»

۱۲۱ فکر می‌کنم این تنها چیزی است که عیسی به آن نگاه می‌کند، این مسئله در مورد همه‌ی ما صدق می‌کند، وقتی شاهدیم که اینجا جلسه‌ای این چنینی برگزار می‌شود. او با نگاهی به دست‌های ما خواهد دید که با آن چه کارهایی انجام داده‌ایم و این امر به تشخیص روحانی ما بستگی دارد.

«عدم تشخیص و تمییز بدن خداوند.»

بیایید دعا کنیم.

۱۲۲ اگر آن دست‌ها باید کار کنند و می‌دانید که باید کار کنند، پس آیا شایسته نیست که آن دست‌ها را به نزد خدا بلند کنید باشد که در هنگام دعا از او بخواهید که آنها را برای خدمت الهی تقدیس کند؟ پس دستان خود را برافرازید.

۱۲۳ خداوند، به این دست‌ها بنگر. خداوند همچنین به دستان من. می‌خواهم چون سربازی با جای زخم، که گویای جانبازی است، حاضر شوم. نمی‌خواهم با دست تهی فرادست آیم. خواست من این است که تا دم مرگ به موعظه کردن ادامه دهم. می‌خواهم بطلبم و مسئلت کنم و روزه بگیریم و دعا کنم زیرا می‌دانم شب سایه افکنده است و اینک زمان بر در است. خداوند، چشمان مرا باز کن تا نشانه‌های بیشتری از بازگشت

بر من تجلی یابد. امشب با ظهور شگفتی‌های شگرفی که وعده داده‌ای قلب‌های این عزیزان را برافروز.

۱۲۴ وقتی این پیشگویی دنیا را می‌بینیم و می‌شنویم که مردان گناهکار چنین فریاد برمی‌آورند، «او عمارت را جاروب خواهد کرد.» بر من روشن است که آنها بمب‌هایی برای تحقق این امر دارند؛ همین بس که دست افرادی متعصب به این بمب برسد. تو از سر رحمت خویش جلوی این کار را گرفته‌ای تا کلیسای خود را آماده سازی.

۱۲۵ خداوندا، تمنا اینکه همین امشب ما را آماده سازی. شوقی برای خدمت در دل‌های ما بیافزین. حضور خویش را نمایان ساز زیرا ایمان ما گواهی می‌دهد که تو از مرگ قیام کرده‌ای و اینک روح ما حضورت را در اینجا تشخیص می‌دهد، بلکه همان عیسی که دیروز، امروز و تا ابد همان است. تو اینک در قالب روح‌القدس حضور داری تا در میان کلیسای خود کار کنی و شفا داده و نجات دهی. پس در حالی که هم خود و هم این جماعت را به تو تقدیم می‌کنم، تمنا اینکه تو ای خداوند ما را بشنوی، در نام عیسی مسیح، پسر خدا. آمین.

۱۲۶ او را سپاس به خاطر رحمتش، او را سپاس به خاطر شفقتش! خستگی دیگر بر من سنگینی می‌کند ولی این را در قلب خود حس کردم. پس باید می‌گفتم. امیدوارم دوستان متدیست، باپتیست یا پنطیکاستی خود را رنجیده‌خاطر نکرده باشم. اگر چنین برداشت شد [بدانید] که هیچ قصد نداشتیم مایه‌ی رنجش شما باشم. هدفم بیدار کردن و آگاه‌سازی شماست تا تلنگری کوچک به شما بزنم. دیگر به خط پایان رسیده‌ایم.

۱۲۷ «ولی همچنان از تشخیص و تمییز بدن خداوند بی‌بهره هستیم پس تفرقه‌سازی کرده و جدا می‌شویم و به همین ترتیب چنانکه پیداست از آن ایمان هیچ بویی نبرده‌ایم.»

۱۲۸ اگر زمانی باشد که به هر یک از شما نیاز داشته باشیم، زمانش همین حالاست. شما به من نیاز دارید و من هم به شما نیاز دارم. خدا به هر دوی ما نیاز دارد. پس بیایید قلب‌های خود را به هم پیوندیم و با هم جدّ و جهد کنیم. بیایید از این فکر که ناصری یا زائر تقدس یا کاتولیک یا مشایخی یا پنطیکاستی یا هر عضو گروه دیگری هستیم، دست بشوییم. تنها مسیحی باشید. بیایید بدن خداوند را تشخیص و تمییز دهیم باشد که برای راهنمایی مردم حتی فرومایه‌ترین گناهکار به سوی آغل [ارستگاری] دست به کار شویم. این دعای متواضعانه‌ی من است.

۱۲۹ همان فرشته‌ی خدا که به سمت سدوم رفت اینک می‌آید. این وعده‌ی خداست. به یاد داشته باشید که همان فرشته آمد. همه می‌دانند که او خود خدا بود. البته آن بدن خدا نبود زیرا بدن از خاک است.

۱۳۰ چندی پیش با عزیزی در این باره صحبت می‌کردم، به او گفتم: «او خود خدا بود.»

۱۳۱ او خادم بود و پرسید: «کنون برادر برانهام شما که باور ندارید که آن شخص خدا بود؟»

۱۳۲ پاسخ دادم: «او خود خدا بود. این سخن خود ابراهیم است. ابراهیم او را الوهیم خواند. او خدای قادر مطلق بود. او همراه دو فرشته [نزول کرد].»

پس گفت: «پس شما گمان می‌کنید که خدا در تن زندگی کرد؟»

پاسخ دادم: «اینکه سخت نیست.»

۱۳۳ ما از شانزده عنصر به وجود آمده‌ایم؛ همان ترکیبات نفت، نور کیهانی، کلسیم، پتاسیم و غیره. خدا مقداری از این عناصر را جمع کرد و گفت: «بسیار خوب، جبرائیل اینجا باش. بله، میکائیل اینجا باش.» و از نفس خود بر آن دمید. گفت: «شنیده‌ام که سدوم به اوج خود رسیده است. نازل شویم تا ببینیم. ما شخصاً نازل خواهیم شد. هم ابراهیم موعظه کرده و هم دیگران. بیایید خود برویم و ببینیم.»

۱۳۴ ولی آنها نزد چه کسانی رفتند؟ نزد برگزیدگان. آن یگانه پشت ایستاد و با ابراهیم سرگرم گفتگو شد و ابراهیم او را «الوهیم» خواند. با مراجعه به حرف «L» بزرگ به درستی این سخن پی خواهید برد. یهوه خداوند خدا در کسوت بدنی از جنس گوشت آنجا حضور یافت.

۱۳۵ مشکل اینجاست که چپستی خدا بر شما پوشیده است. همین بس که خدا «الفی» بگوید. خوشحالم از اینکه خدا را می‌شناسم. یکی از این روزها چیزی جز خاکستر آتشفشان نخواهم بود اما به واسطه‌ی سخنی از خدا، باز زنده می‌شوم. او خداست.

۱۳۶ چندی پیش همسرم گفت: «بیلی، تو کم مو هستی.»

پاسخ دادم: «من حتی یکی از آنها را هم از دست نداده‌ام.»

او گفت: «پس آنها چه شده‌اند؟»

۱۳۷ گفتم: «به من بگو قبل از اینکه آنها را داشته باشم کجا بودند من هم به تو خواهم گفت آنها کجا منتظر من هستند.»

۱۳۸ درست است. «مویی از سرتان گم نخواهد شد.» خدای آسمان [فضای خالی بر روی نوار-گروه تألیف.] آنکه همه چیز را زیر فرمان خود دارد، خواهد فرمود: «ویلیام برانهام» یا دیگری، و من هم در شباهت او خواهم آمد. هلولو! یا!

۱۳۹ همان خدا امشب از طریق روح القدس در میان ما ساکن است، در جلال شکینه، و او اینک با همان نشانه‌های طبیعی که انجام داد، حضورش را ثابت می‌کند.

۱۴۰ اگر یک تاک امروز انگور به بار آورد فردا نیز انگور به بار خواهد آورد. بله مو همواره انگور به بار خواهد آورد. ما به هیچ روی از راه استدلال علمی وارد نمی‌شویم. روح القدس وسیله‌ی شرفیابی به آن حریم می‌شود زیرا این تنها روحی است که کلیسای [همهانگ] با روح القدس متجلی می‌سازد؛ ثمرات روح القدس گویای حضور زندگی مسیح در ماست.

۱۴۱ همان فرشته اینجاست، او پیش از نابودی سدوم و عموره برای شهادت حاضر شد.

۱۴۲ اکنون بیابید ببینیم. چند نفر کارت دعا در اختیار دارند؟ دست خود را بلند کنید. چهل یا پنجاه مورد هستند. چند نفر کارت دعا ندارند؟ دست خود را بلند کنید. بله، کمابیش سه برابر بیشتر. بسیار خوب.

احساس می‌کنم برای انجام کاری هدایت شده‌ام.

۱۴۳ اجازه دهید به عزیزانی که کارت دعا ندارند برسیم. بگذارید عزیزانی که کارت دعا دارند، شاید... بسیار خوب، آنها هم می‌توانند داخل شوند. اما بر اساس این تشخیص، عزیزانی که کارت دعا ندارند را می‌خوانیم. دوباره دستان خود را بلند کنید، آنانی که بیمارند و کارت دعا ندارند، این چنین متوجه می‌شوم چه کسانی هستید. بسیار خوب.

اینجاست که مسائل روشن می‌شود.

۱۴۴ آیا ایمان دارید که حقیقت را به شما گفته‌ام؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.»] گروه تألیف. آیا فکر می‌کنید که از تشخیص روحانی لازم برای درک حقانیت این امر برخوردار شده‌اید؟ [«آمین.»] پس هیچ نیازی نیست این بالا بیابید.

۱۴۵ من شفا دهنده نیستم. تنها یک انسانم. من برادر شما هستم. این مسیح است که شما را شفا می‌دهد تنها شرطش این است حضور فرخنده‌ی او را در این مکان بازشناسید.

۱۴۶ فرض کنید نوبت شما برای دریافت شفا فرارسیده باشد، فرض کنید او ملبّس به کت و شلواوری از این دست همین‌جا حضور یافته باشد. با پذیرش این فرض باز گفتنی است که او نمی‌تواند شما را شفا دهد زیرا پیش‌تر آن امر را محقق ساخته است. او تنها می‌تواند ثابت کند که خود مسیح است. ولی چگونه این امر برای شما دریافتنی خواهد شد؟ او را از ثمره‌ی روح الهی خواهید شناخت. زندگی او چگونه بود؟

۱۴۷ جا دارد پرسیده شود که او در زمان حضور زمینی خود با انجام چه کارهایی مسیح بودن خود را اثبات کرد؟ به پطرس، یوحنا یا دقیق‌تر بگویم به پطرس و نثنائیل گفت پیش‌تر کجا بودند، که بودند و به اصطلاح کجایی هستند و چنین خویشتن را به آنها معرفی کرد، این به واقع نشانه‌ای برای یهودیان بود. این امر در پایان عصر یهودیان رخ داد.

۱۴۸ گروه دیگر چشم به راه آمدن مسیح بودند، منظورم سامریان است که نیمه یهودی و نیمه غیریهودی بودند. او در کنار آن چاه، گناه آن زن را بازگو کرد و آن زن دریافت که این نشانه‌ی مسیح موعود است. آن زن گفت: «می‌دانیم که مسیح موعود با ما در مورد چنین اموری سخن خواهد گفت. اما تو که هستی؟»

او پاسخ داد: «من همان هستم.»

۱۴۹ ولی به سراغ غیریهودیان نرفت (مگر غیر از این است؟) زیرا غیریهودیان منتظر آمدنش نبودند.

۱۵۰ چند نفر ایمان دارند که خدا نامحدود است؟ یقیناً نامحدود است. پس تصوّرپذیر نیست که او اینجا چیزی بگوید و اینجا روشی در پیش بگیرد و آنجا روش خود را تغییر

دهد و باز عادل باشد. او در هر شرایطی روش واحدی در پیش می‌گیرد. اگر او نقشی بهتری داشت همان را از اول پیاده می‌کرد؛ این اصل هنگامی که مردم به خاطر امری خدا را طلب کنند و حتی زمانی که حکم خود را جاری می‌سازد، مصداق دارد.

۱۵۱ اگر خدا در پی فریاد گناهکاری او را به خاطر ایمان رستگار سازد، گناهکار بعدی، گناهکار پسین و گناهکار پسین را نیز چنین رستگار خواهد ساخت. او در چهارچوب همان ترتیب کار خواهد کرد و در غیر این صورت باید گفت در اولین مورد مرتکب اشتباه شده بود.

۱۵۲ این اصل درباره‌ی شفا هم صدق می‌کند. گفتنی است که خدا پیش‌تر این کار را انجام داده است. تنها دریافت آن از سوی شما می‌ماند. خدا یک اسطوره نیست. او خدایی نیست که به تاریخ پیوسته باشد. او خدای حی و حاضر است «عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابد همان است.» هم اکنون نیز چنین است. آیا ایمان دارید که او اینجاست؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» - گروه تألیف.] آیا این امر برای شما بازشناختنی است؟

می‌خواهم روی خود را از سمت حضار برگردانم. دعا خواهیم کرد.

۱۵۳ اینک روح‌القدس آنچه که امشب در پایان پیغام گفته‌ام را اثبات خواهد کرد اینکه همان نشانه‌هایی که به گفته‌ی عیسی به سدوم داده شد به این نسل هم داده خواهد شد. «همان‌طور که در ایام سدوم بود، زمان بازگشت پسر انسان نیز همچنان خواهد بود.» آنگاه این چنین ماهیت روحی که اینجا حضور دارد برای شما بازشناختنی می‌شود.

۱۵۴ باز [می‌گویم] چه کسانی بیمار هستند ولی کارت دعا ندارد؟ می‌خواهیم به کارت‌های دعا برسیم. می‌خواهیم برای همه‌ی آنها دعا کنیم.

۱۵۵ اکنون من توان بازگو کردن هویت مردم را ندارم. خدا می‌داند. ابتدا می‌خواهم کسی را بیابم که روح‌القدس... پس هر یک از شما عزیزان به دعا مشغول شده و چنین بگوید: «خداوند، اکنون بر من رحم فرما و مرا امداد کن.» و می‌بینید که او همان کاری که گفته است را انجام خواهد داد.

من تنها منتظر نشانه‌اش هستم.

۱۵۶ چند نفر می‌دانند که عیسی امروز همان ستون آتشی است که فرزندان اسرائیل را هدایت کرد؟ «من از جانب خدا آمده‌ام و به نزد خدا می‌روم.» این همان چیزی بود که او گفت؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» - گروه تألیف.] و هنگامی که پولس او را در راه دمشق ملاقات کرد، در چه هیئتی ظاهر شد؟ او همان روشنایی شگرف بود، در واقع همان ستون آتشین. باز امروز همان است، همان روح قدوس خدا... بدن عیسی مسیح اینک بر دست راست خدا، بر تخت آسمانی خود جلوس فرموده است ولی روح عیسی مسیح اینک در این کره‌ی خاکی حضور داشته کار او را کامل و تمام می‌کند.

۱۵۷ آن روحی که در بدن عیسی مسیح زندگی کرد همان روحی بود که در فرشته‌ی اعظم بود و به سوی سدوم و عموره فرادست آمد. آیا به آن ایمان دارید؟ [جماعت

می گویند: «آمین» - گروه تألیف. [همان یکتا، فرزندان اسرائیل را مشایعت کرد، به واقع همان خدا بود.

۱۵۸ عیسی گفت: «من همان صخره‌ای هستم که در بیابان بود. پدران شما من را خوردند و مُردند.» و «من هستم آن نان زندگی که از جانب خدا از آسمان فرود آمد. من آن نان زنده هستم. من همان صخره هستم.»

۱۵۹ «دعا داری که ابراهیم را دیده‌ای ولی هنوز پنجاه سال نداری.»

۱۶۰ او چنین گفت: «پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود، من هستم.» چه کسی آن «هستم» است؟ همان روشنایی فروزان و سوزان که در بوته قرار گرفت و با موسی سخن گفت.

۱۶۱ امشب او همان عیسی است. این یک اعتراف است. مگر نیست؟ [جماعت می گویند: «آمین» - گروه تألیف.] من با این سخنم وارد چالش می شوم، بله هر باورمند را به چالش فرامی خوانم تا به آن ایمان داشته باشد.

۱۶۲ این خانم جوانی که اینجا نشستند، چیز سفید کوچکی بر سر خود دارند. آیا شما کارت دعا دارید؟ شما بیماری؟ مگر نسبت به هم غریبه نیستیم؟ ولی خدا هر دو ما را می شناسد. نوری بر فراز این خانم هست، کاش می توانستید ببینید چگونه آن روشنایی بر فراز ایشان می چرخد. ایشان دعا می کردند. درست است؟ امکان آمدن به این سکو را نداشتید ولی باز مشغول دعا بودید زیرا می بینم که یک سایه‌ی بر شما سایه افکنده است. سایه‌ی مرگ است. این خانم زیر سایه‌ی مرگ است. ایشان سرطان دارند. آیا ایمان دارید که خدا می تواند شما را شفا دهد؟ از سرطان سینه رنج می برید. و می بینم که پزشکی پس از معاینه گفته که می خواهد آن را جراحی کند. و شما منتظر عمل جراحی هستید. همچنین می بینم که به سمت سکو یا چنین چیزی حرکت می کنید. شما یک واعظ هستید، یک خانم واعظ. این قول خداوند است. خانم، درست است؟ آیا هر آنچه که خدا گفت درست بود؟ چنانچه درست بوده، بفرمایید بایستید.

۱۶۳ آیا اکنون ایمان دارید؟ این... آیا می توانید تشخیص دهید که همان عیسی که به برکت لمس خویش... آن بانو ردای او را لمس کرد و این از من نیست بلکه از خود اوست. من این خانم را نمی شناسم. خدا هر دو نفر ما را می شناسد. خواهر، خدا به شما برکت دهد.

۱۶۴ خانمی را در رؤیا می بینم. ایشان در حال دعا هستند. خانم جوانی هستند که اینجا نشستند. درباره‌ی کودکی است. چنین است، خانم می خواهند... خیر، ایشان، ایشان صاحب فرزندی شده‌اند. خیر، مورد سقط جنین است. چنین بوده است، یک کودک مرده. خانم اهل کنتاتی هستند و نام ایشان مارتین است. خانم مارتین کجا هستید؟ بله، لباس زرد بر تن دارید. درست است. خانم، درست است؟ اگر چنین بوده است، بایستید. من آن خانم را نمی شناسم. اما خدا او را می شناسد و ایشان اینجا هستند. نام خداوند خدا متبارک باد.

۱۶۵ درست پشت سر ایشان خانمی نشستند. ایشان به هم‌روئید مبتلا هستند. در سمت راست خود مشکل دارند، خانمی درشت هیكل که پیراهنی مشکی بر تن دارند.

خانم، شما کارت دعا دارید؟ ندارید؟ به آن نیازی ندارید. آیا باور دارید که ایمانتان به اندازه‌ای بود که چیزی را لمس کنید؟ هیچ مرا لمس نکرده‌اید. خود او را لمس کرده‌اید. بسیار خوب. پس در حالی که دستمال در دست دارید، دست خود را بلند کنید و شفای خود را بپذیرید. به خانه بروید و شفا یابید، در نام عیسی مسیح.

۱۶۶ به اینجا توجه کنید. خانم جوانی آن پشت هستند که لباس چهارخانه بر تن دارند. ایشان سر خود را خم کرده‌اند. برای پدر خود در دعا هستند. از مشکل کبد رنج می‌برند. خواهر، آیا ایمان دارید که خداوند او را شفا خواهد داد؟ آیا به این امر ایمان دارید؟ پس می‌توانید مسئله خود را دریافت کنید.

۱۶۷ خواهر، شما نسبت به آن خواهر بسیار لطف داشتید، به او گفتید که مورد مربوط به اوست. این را گفتید زیرا روح‌القدس شما را فرو گرفته است. درست است. کارت دعا دارید؟ ندارید؟ هیچ به آن نیازی ندارید. شما برای مادری دعا می‌کنید. [خواهر می‌گوید: «بله.» - گروه تألیف.] به این فکر می‌کنید که فردا شب او را به کلیسا بیاورید. [«بله.»] درست است. ولی مجبور به این کار نیستید. دست خود را بر روی ایشان بگذارید و نام خداوند عیسی را بخوانید. اگر ایمان داشته باشید، ایشان خوب خواهند شد.

۱۶۸ ایمان شما را به چالش فرامی‌خوانم. دیگر چه کسی کارت دعا ندارد و می‌خواهد ایمان داشته باشد؟

۱۶۹ شما که این جلو نشسته‌اید، آیا ایمان دارید که یک نبی از جانب خدا هستم؟ نبی، پیغام‌آور یک عصر است. پس آیا ایمان دارید که پیغام خدا را می‌آورم؟ [برادر می‌گوید: «بله.» - گروه تألیف.] آیا به این امر ایمان دارید؟ شما را نمی‌شناسم. اما خدا شما را می‌شناسد. اگر خدا مشکلات شما را به من نشان دهد، آیا این را به عنوان [دلیلی بر] شفای خود می‌پذیرید و ایمان خواهید آورد که این امر از جانب خداست؟ آیا برای شما قابل تشخیص است؟ حینی که با شما صحبت می‌کنم چنانچه روح شما بتواند او را لمس کند آنگاه شفای خود را خواهید یافت. آیا خواهید پذیرفت؟ قفسه‌ی سینه‌ی شما مشکل دارد بافتش زخمی است. به علاوه شما یک واعظ هستید. درست است. این قول خداوند است. به خدا ایمان داشته باشید.

همچنان به [حضار] پشت می‌کنم.

۱۷۰ دعا کنید باشد بر شما روشن شود که همان فرشته‌ی اعظم است، باشد بر شما روشن شود که همان خدا است که وقتی پشتش بر خیمه بود، وعده‌ای داد. شما عزیزان دعا کنید تا همان خداوند خدایی که فرشته‌ی اعظم خود را فرستاد و ثابت کرد که سدوم در... پایان نزدیک بود.

۱۷۱ خداوند خدا، تمنا اینکه امشب فرشته‌ی اعظم خود را بفرستی و همان تشخیص را عطا کنی زیرا این وعده‌ی پسر توست. پس بفرما تا چنین شود.

۱۷۲ بانویی در حضورم ایستاده‌اند، از مشکل التهاب در سر رنج می‌برند. آن پشت و این سو هستند زیرا کشتش و ایمان ایشان را حس می‌کنم. نام ایشان خانم ویلی است.

۱۷۳ ایشان کجا هستند؟ بگذارید ببینیم. جایی همین پشت. هر جایی که این خانم... آنجا، خانم درست بود؟ بسیار خوب. به خانه بروید و خوب شوید.

به خدا ایمان داشته باشید. مابقی شما عزیزان هر جا هستید دعا کنید.

خداوندا، بگذار معلوم شود که تو خدا هستی.

۱۷۴ بانویی مقابل من ایستاده‌اند، در آن پشت در میان حضار مشغول دعا هستند، وضعیت ایشان رو به وخامت است. لباس چهارخانه قرمز و سفید بر تن دارند. نام ایشان خانم لیک است.

۱۷۵ خانم لیک کجا هستید؟ هر جا هستید، بفرمایید بایستید. خدا به شما برکت دهد. به خانه بروید و تندرست شوید. به برکت ایمان‌تان رستگار شده‌اید.

۱۷۶ همان عیسی است. همان فرشته‌ی اعظم است. آیا صاحب تشخیص شده‌اید؟ بدن خداوند را تشخیص و تمییز دهید. آیا باور دارید که راستی را بازگو می‌کنم؟ [جماعت می‌گویند: «آمین»- گروه تألیف.] آیا ایمان دارید که خود مسیح بر آن گواهی می‌دهد؟ [«آمین»] اگر به آن ایمان دارید، دستان خود را بلند کنید.

۱۷۷ چند نفر از ایمانداران حاضر در اینجا چنین دستان خود را تکان می‌دهند؟ پس من را به عنوان یک نبی خدا می‌پذیرید. حتی یک ذره هم تردید نداشته باشید. دستانی که به نزد خدا تکان می‌دهید را بر عزیز کناری خود بگذارید و جلال خدا را مشاهده خواهید کرد. خدا بر انجام این کارها تواناست. آیا بدن خداوند را تشخیص می‌دهید؟ آیا تشخیص می‌دهید که اینک روح او اینجا حضور دارد؟ «این آیات همراه کسانی است که به او ایمان دارند، اگر بر مریضان دست بگذارند خوب خواهند شد.»

۱۷۸ ای خداوند خدا، ای پدیدآورنده‌ی آسمان و زمین، ای تو که سرچشمه‌ی زندگی جاوید هستی، بفرما تا شیطان از همه‌ی باورمندان حاضر دور شود. آنها دستان خود را بر روی یکدیگر گذاشته‌اند و ایماندار هستند. آنها به خدا ایمان دارند و باور دارند که تو چنین خواهی کرد. خداوند، نه سخت فروافتادنی است، نه هیچ یک از وعده‌هایت. این هم وعده‌ی توست: «اگر دستان خود را بر روی بیماران بگذارند، خوب خواهند شد.»

۱۷۹ اکنون ای شیطان، ای دیو ناپاک ستمگر که این عزیزان را چنین تا خاک فرو انداخته‌ای، تو را به نام عیسی مسیح، پسر خدای زنده، امر می‌کنم که آنها را رها کنی. در نام عیسی مسیح، از آنها بیرون بیا.

۱۸۰ اکنون دستان خود را بر روی یکدیگر بگذارید و با ایمان دعا کنید و هنگامی که روح خدا را حس می‌کنید، آن امر الهی را تشخیص دهید که این وعده‌ی خدا برای شماست.

۱۸۱ هریک از شما که می‌تواند جاری بودن نیروی الهی را در خود حس کند، بایستد و چنین شفای خود را بپذیرد. در نام عیسی مسیح به همه‌ی شما ایمانداران حکم می‌کنم تا سرپا بایستید و عیسی مسیح را به عنوان شفا دهنده‌ی خود بپذیرید. شما که بر روی آن صندلی چرخدار و برنکارها و غیره هستید، به پا خیزید. بلند شوید. در نام خداوند عیسی مسیح شفا یابید.

۱۸۲ آنها از روی برانکارها و صندلی‌های چرخدار و مابقی چیزها بلند می‌شوند.

بسیار خوب، برادر سولیوان بفرمایید.



تمییز دادن بدن خداوند FRS59-0812

(Discerning The Body Of The Lord)

برادر ویلیام ماریون برانهام این پیغام را به زبان انگلیسی در عصر چهارشنبه ۱۲ اوت ۱۹۵۹ در میامی چاتوگوا کمپگراندز ولی در چاتوگوا ایالت آهایو آمریکا ایراد کردند. این پیغام بر روی یک نوار مغناطیسی ضبط شد و به شکل کامل به زبان انگلیسی به چاپ رسید. برگردان فارسی این اثر با کوشش انتشارات Voice Of God Recordings چاپ و پخش می‌گردد.

FARSI

©2019 VGR, ALL RIGHTS RESERVED

VOICE OF GOD RECORDINGS

P.O. Box 950, JEFFERSONVILLE, INDIANA 47131 U.S.A.

www.branham.org